

بررسی و تحلیل مبانی حقوقی مهریه زوجه در نظام حقوقی و قانونی ایران

حمید رضا مددی

دانش آموخته ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی ریز، نی ریز، ایران.

چکیده

در این مقاله برآنیم به بررسی بررسی و تحلیل مبانی حقوقی مهریه زوجه در نظام حقوقی و قانونی ایران بپردازیم. چالش مهریه در ایران به یکی از موضوعات مهم اجتماعی و حقوقی تبدیل شده است. با افزایش قیمت سکه و نوسانات اقتصادی، مهریه به یک مسئله پیچیده برای خانواده ها و نظام حقوقی تبدیل شده است. پیشنهادهای مختلفی برای اصلاح قوانین مهریه مطرح شده که شامل حبس زدایی از مهریه و تعیین سقف برای آن است. این تغییرات می تواند تأثیرات عمیقی بر حقوق زنان و روابط خانوادگی داشته باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مبانی حقوقی مهریه، تحولات قانونی اخیر، چالش های اجرایی و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد؛ چالش هایی نظیر نوسانات قیمت سکه، افزایش دعاوی اعسار، و ابهام در توانایی مالی زوجین برای پرداخت مهریه به قوت خود باقی است. علاوه بر این، مطالعات نشان داد که کارکرد اجتماعی مهریه از پشتوانه مالی به ابزار چانه زنی در ازدواج و طلاق تغییر یافته است که این امر بر روابط زوجین و ثبات خانواده تأثیرگذار بوده است. نتیجه گیری پژوهش بر این اصل استوار است که نظام حقوقی مهریه در ایران، برای دستیابی به تعادل میان حقوق مالی زنان و جلوگیری از فشارهای اقتصادی غیرمنطقی بر زوجین، نیازمند بازنگری و اصلاحات عمیق تری است. چالش های حقوقی مهریه در ایران شامل؛ مطالبه مهریه، تعیین مهریه های سنگین، قوانین و اصلاحات می باشد.

واژه های کلیدی: مهریه، نظام حقوقی ایران، قانون حمایت خانواده

۱- مقدمه

مهریه به عنوان یکی از ارکان مهم نهاد ازدواج در نظام حقوقی ایران، از دیرباز تاکنون جایگاه ویژه‌ای در قوانین و مقررات داشته و در فرهنگ حقوقی کشور به عنوان یکی از ابزارهای حمایت مالی از زنان پس از ازدواج در نظر گرفته شده است. این نهاد حقوقی که ریشه در آموزه‌های فقهی و شرعی اسلام دارد، در نظام حقوقی ایران به عنوان یک تعهد مالی الزامی بر ذمه زوج (مرد) قرار می‌گیرد و زوجه (زن) می‌تواند هر زمان که بخواهد، مهریه خود را مطالبه کند (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶: ۱۰۲). با این حال، افزایش بی‌رویه میزان مهریه در سال‌های اخیر و تأثیر مستقیم آن بر اقتصاد خانواده و جامعه، این نهاد را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. این چالش‌ها نه تنها باعث بروز مشکلات حقوقی و قضایی فراوانی شده، بلکه آثار اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای را نیز به دنبال داشته است.

از جمله مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های مهریه در ایران می‌توان به افزایش بی‌رویه مهریه، مشکلات اجرایی وصول آن، سوءاستفاده از مهریه به عنوان ابزاری برای اعمال فشار، و تبعات اقتصادی سنگین بر دوش زوج اشاره کرد. در سال‌های اخیر، بسیاری از خانواده‌ها در تعیین مهریه، معیارهای عرفی را نادیده گرفته و مبالغی سنگین را برای آن تعیین کرده‌اند که در بسیاری از موارد، زوج توانایی پرداخت آن را نداشته و در نتیجه، این موضوع باعث تشکیل پرونده‌های متعدد قضایی در محاکم خانواده شده است (عابدی ایلخچی و شهسواری، ۱۴۰۳: ۴۸). یکی دیگر از چالش‌های اساسی در این حوزه، شرط عندالاستطاعه است که در برخی موارد به عنوان جایگزینی برای شرط عندالمطالبه در اسناد ازدواج درج می‌شود. اگرچه این شرط در ظاهر به نفع زوج و برای کاهش بار مالی وی در هنگام مطالبه مهریه از سوی زوجه در نظر گرفته شده است، اما در عمل، به دلیل ابهام در تعیین استطاعت مالی زوج و دشواری اثبات آن، موجب بروز دعاوی پیچیده‌ای در محاکم شده است (شریفی، ۱۴۰۲: ۵۵). این امر علاوه بر طولانی شدن روند دادرسی، مشکلاتی همچون عدم امکان استیفای حق زوجه در زمان مناسب را نیز در پی داشته است.

افزایش میزان مهریه در بسیاری از موارد به افزایش آمار زندانیان مهریه و مشکلات اقتصادی جدی برای زوج منجر شده است. مطابق گزارش‌های رسمی، تعداد قابل توجهی از محکومان مالی در کشور به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه در زندان به سر می‌برند. این مسئله نه تنها باعث افزایش بار مالی و مدیریتی بر دستگاه قضایی کشور شده، بلکه از نظر اجتماعی نیز پیامدهایی همچون افزایش طلاق، کاهش ازدواج، و بی‌اعتمادی نسبت به نهاد ازدواج را در پی داشته است (شمسی و عباسی، ۱۴۰۳: ۲۷). از منظر اقتصادی، مهریه‌های سنگین در بسیاری از موارد به یک معامله اقتصادی نابرابر شباهت پیدا کرده است که در آن، تعیین مهریه‌های نجومی بیش از آنکه جنبه تکریم و احترام به زن را داشته باشد، به ابزاری برای فشار اقتصادی و چانه‌زنی در زمان طلاق تبدیل شده است (منصوری، ۱۴۰۲: ۷۸). این روند، نه تنها ارزش واقعی مهریه را کاهش داده، بلکه زمینه سوءاستفاده و رواج دیدگاه‌های ابزاری نسبت به ازدواج را فراهم کرده است.

با توجه به چالش‌های مطرح شده، قانون‌گذاران تلاش کرده‌اند تا با اصلاح قوانین مرتبط با مهریه، از پیامدهای نامطلوب آن جلوگیری کنند. یکی از مهم‌ترین اصلاحات در این زمینه، تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ است که محدودیت‌هایی برای دریافت مهریه‌های سنگین ایجاد کرد. طبق ماده ۲۲ این قانون، در صورتی که میزان مهریه بیش از ۱۱۰ سکه بهار آزادی باشد، مطالبه مازاد بر این مقدار منوط به اثبات تمکن مالی زوج خواهد بود (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

این اصلاح قانونی اگرچه تا حدی توانسته از حجم دعاوی مربوط به مهریه‌های نامتعارف بکاهد، اما همچنان نقص‌هایی در اجرای آن وجود دارد. ازجمله، بسیاری از زنان در تلاش برای حفظ حقوق مالی خود، همچنان مهریه‌های بالا را در عقدنامه‌ها درج می‌کنند و در نتیجه، چالش‌های پیشین کماکان پابرجاست (عابدی ایلخچی و شهسواری، ۱۴۰۳: ۵۳).

علاوه بر این، برخی کشورها به جای اعمال مجازات‌های سنگین برای عدم پرداخت مهریه، محدودیت‌های مالی و اجتماعی جایگزین در نظر گرفته‌اند. این محدودیت‌ها شامل ممنوعیت خروج از کشور، محدودیت در دریافت تسهیلات مالی، و اعمال محرومیت‌های مدنی موقت است که می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری نسبت به حبس زوج داشته باشد (شمسی و عباسی، ۱۴۰۳: ۳۵). بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که اتخاذ چنین سیاست‌هایی در ایران نیز می‌تواند تأثیر مطلوبی در کاهش پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی مهریه داشته باشد.

با توجه به چالش‌های مطرح‌شده و ناکارآمدی برخی از اصلاحات قانونی پیشین، ضرورت بازنگری و اصلاح مجدد قوانین مهریه در ایران احساس می‌شود. پیشنهادات اصلاحی در این زمینه شامل:

- ۱- تعیین سقف معقول و متناسب برای مهریه براساس وضعیت اقتصادی کشور.
- ۲- حذف امکان تعیین مهریه‌های نامتعارف از طریق نظارت بر دفاتر ثبت ازدواج.
- ۳- ایجاد راهکارهای جایگزین مجازات حبس از جمله محدودیت‌های مالی و اجتماعی برای زوج.
- ۴- اصلاح نظام دادرسی مهریه و تعیین فرآیند مشخص و سریع‌تر برای بررسی توانایی مالی زوج.
- ۵- آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی برای تغییر نگرش جامعه نسبت به مهریه و تأکید بر نقش آن به‌عنوان یک حق مالی مشروع و معقول، نه ابزار فشار.

مهریه به‌عنوان یک نهاد حقوقی که ریشه در فقه اسلامی و قوانین موضوعه ایران دارد، در سال‌های اخیر با چالش‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی متعددی روبه‌رو شده است. افزایش مهریه‌های سنگین، سوءاستفاده از آن در دعاوی خانوادگی، مشکلات اجرایی در وصول مهریه، و افزایش تعداد زندانیان مهریه، ازجمله پیامدهای مهمی است که نیازمند بازنگری و اصلاح قوانین است. اگرچه اصلاحاتی همچون محدودیت ۱۱۰ سکه‌ای در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ اجرا شده، اما همچنان نقایص و خلأهای حقوقی در این زمینه وجود دارد.

با بررسی تطبیقی قوانین کشورهای دیگر و تجزیه و تحلیل مشکلات داخلی، می‌توان راهکارهایی مانند محدودیت‌های مالی و اجتماعی به‌جای حبس، تعیین سقف معقول برای مهریه، و نظارت بر دفاتر ثبت ازدواج را به‌عنوان پیشنهاداتی عملی برای اصلاح قوانین موجود مطرح کرد. بنابراین، ضرورت بازنگری در نظام حقوقی مهریه در ایران بیش از پیش احساس می‌شود و این امر نیازمند همکاری میان قانون‌گذاران، حقوق‌دانان، و جامعه‌شناسان است تا بتوان تعادلی بین حمایت از حقوق زنان و کاهش پیامدهای منفی مهریه‌های سنگین ایجاد کرد.

این مقاله تلاش دارد با بررسی دقیق مبانی حقوقی و فقهی مهریه، تغییرات اخیر در قوانین مربوط به آن را تحلیل کرده و تأثیر این اصلاحات را بر حقوق زوجه و زوج مورد بررسی قرار دهد. همچنین، با مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی دیگر و ارزیابی چالش‌های پیش‌روی اجرای قوانین جدید، راهکارهایی برای بهینه‌سازی نظام حقوقی مهریه ارائه خواهد شد.

۲. بیان مسئله و چالش فقهی و حقوقی مهریه

مهریه به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای حقوقی در نظام خانواده ایران، همواره محل بحث و مناقشه میان فقها، حقوقدانان و جامعه بوده است. از نظر فقهی، مهریه نوعی التزام مالی از سوی زوج به زوجه است که در زمان عقد نکاح بر عهده او قرار می گیرد و زن از لحظه عقد مالک آن می شود (بهمن پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶: ۱۰۲). این نهاد که با هدف حمایت مالی از زن در صورت انحلال ازدواج طراحی شده است، در سال های اخیر به دلیل تغییرات اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، دچار چالش های اساسی شده و نیاز به بازنگری در قوانین مرتبط با آن بیش از پیش احساس می شود (امامی نمینی، ۱۳۸۶: ۲۳).

یکی از مهم ترین مشکلات در اجرای نهاد مهریه، افزایش بی رویه مبلغ مهریه در ازدواج های جدید است. در حالی که در گذشته میزان مهریه به طور معقول و در حد امکان مالی زوج تعیین می شد، امروزه شاهد مهریه های نجومی هستیم که اغلب فراتر از توان پرداخت مردان بوده و همین امر موجب افزایش تعداد زندانیان مهریه شده است (معنوی، ۱۳۹۹: ۵۴). علاوه بر این، نوسانات قیمت سکه و کاهش ارزش پول ملی نیز بر این موضوع دامن زده و پرداخت مهریه را به یکی از مهم ترین معضلات اقتصادی زوجین تبدیل کرده است (صادقی، ۱۳۹۴: ۷۸).

از سوی دیگر، مشکلات حقوقی و قضایی مربوط به مطالبه مهریه نیز از دیگر چالش های موجود در این حوزه محسوب می شود. بر اساس آمارهای منتشرشده، حجم قابل توجهی از دعاوی حقوقی در محاکم ایران، مربوط به مطالبه مهریه و دعوی اعسار از سوی زوج است که منجر به پیچیدگی های حقوقی و افزایش فشار بر قوه قضائیه شده است (مقبلی نسب و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱۴). این وضعیت نشان دهنده ناکارآمدی برخی از مقررات فعلی و نیاز به ایجاد سازوکارهای قانونی جدید برای جلوگیری از افزایش دعاوی مرتبط با مهریه است (شهبازی و محسنی پور، ۱۴۰۳: ۹۳). در راستای کاهش این مشکلات، قانون گذاران تلاش هایی برای اصلاح قوانین مهریه انجام داده اند. از جمله این اصلاحات می توان به تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اشاره کرد که در ماده ۲۲ آن، وصول مهریه تا ۱۱۰ سکه را مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی دانسته و مازاد بر آن را منوط به اثبات توان مالی زوج کرده است (مزحجی، ۱۳۹۳: ۴۸). همچنین، در سال ۱۴۰۳، طرح اصلاح قانون مهریه در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته که طبق آن، مجازات حبس برای بدهکاران مهریه به طور کامل حذف نشده، اما جایگزین هایی نظیر استفاده از پابند الکترونیک یا محدودیت های مالی و اجتماعی در نظر گرفته شده است (طیب، ۱۴۰۳: ۹۴).

با وجود این اصلاحات، برخی کارشناسان معتقدند که تضعیف ضمانت اجرای مهریه می تواند حقوق مالی زنان را در زمان انحلال نکاح تحت تأثیر قرار دهد. کاهش امکان حبس برای مردانی که توانایی پرداخت مهریه را ندارند، بدون ارائه سازوکارهای اجرایی مناسب برای جایگزینی، ممکن است زمینه سوءاستفاده و فرار از پرداخت مهریه را فراهم کند (راقم، ۱۳۹۷: ۶۵). همچنین، مقایسه تطبیقی نشان می دهد که در بسیاری از کشورها، به جای اعمال مجازات های سنگین، محدودیت های مالی و اجتماعی نظیر ممنوعیت خروج از کشور یا توقیف دارایی های غیرضروری زوج به عنوان راهکاری جایگزین استفاده شده است که در ایران نیز می تواند مورد بررسی قرار گیرد (اشرفی، ۱۳۹۹: ۸۲).

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی چالش های حقوقی و اجتماعی مرتبط با مهریه در نظام حقوقی ایران و ارزیابی اثربخشی اصلاحات قانونی اخیر در کاهش مشکلات مرتبط با آن است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسش هاست که آیا اصلاحات قانونی اخیر توانسته اند مشکلات مربوط به مطالبه مهریه را کاهش دهند؟ و چه راهکارهای حقوقی و اجرایی می توانند جایگزین مناسبی برای حل این معضل باشند؟ بررسی این موضوع، می تواند به ارائه راهکارهای عملی در راستای

بهبود وضعیت موجود و ایجاد تعادل میان حمایت از حقوق مالی زنان و جلوگیری از بار مالی و حقوقی غیرمنصفانه بر دوش زوجین کمک کند.

۲-۱. چالش‌های اجرایی در وصول مهریه

بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده با وکلا و کارشناسان حقوق خانواده نشان می‌دهد که همچنان چالش‌های متعددی در اجرای قوانین مرتبط با مهریه وجود دارد. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- افزایش تعداد پرونده‌های قضایی مربوط به مهریه: مطالعات نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از دعاوی خانواده مربوط به مطالبه مهریه و اعسار زوجین است که موجب سنگین شدن حجم پرونده‌های قضایی شده است (معنوی، ۱۳۹۹).
- ۲- نوسانات اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی: مهریه‌های سنگین که معمولاً به‌صورت سکه طلا تعیین می‌شوند، تحت تأثیر تورم و نوسانات بازار قرار گرفته و در برخی موارد، پرداخت آن‌ها به لحاظ اقتصادی ناممکن شده است (راقم، ۱۳۹۷).
- ۳- مشکلات اثبات توانایی مالی زوج: بر اساس ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده، اگر مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد، زن باید ملائت زوج را اثبات کند که در بسیاری از موارد، فرآیند اثبات با دشواری‌هایی مواجه است (اشرفی، ۱۳۹۹).

۲-۲. چالش‌های حقوقی: ناکارآمدی برخی مقررات و اصلاحات ناقص

مهریه در نظام حقوقی ایران به‌عنوان یک حق مالی برای زن و یک تعهد مالی برای مرد شناخته شده است، اما بررسی تحولات قانونی نشان می‌دهد که اصلاحات صورت‌گرفته در سال‌های اخیر، به‌جای حل ریشه‌ای مشکل، تنها برخی از پیامدهای آن را کاهش داده‌اند. به‌عنوان نمونه، محدودیت ۱۱۰ سکه‌ای برای اجرای محکومیت‌های مالی مهریه (مطابق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱) از یک‌سو توانسته تا حدی از افزایش پرونده‌های مهریه و حبس زوجین جلوگیری کند، اما از سوی دیگر، مشکلات جدیدی همچون ابهام در تعیین توانایی مالی زوج برای پرداخت مهریه بیش از ۱۱۰ سکه و سوءاستفاده‌های احتمالی از این قانون را به همراه داشته است (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶).

علاوه بر این، اصلاحات اخیر مجلس در سال ۱۴۰۳ که حبس را به‌عنوان مجازات اصلی حذف کرده و جایگزین‌هایی نظیر پابند الکترونیکی و محدودیت‌های مالی و اجتماعی پیشنهاد داده است، اگرچه در ظاهر راهکاری منطقی برای کاهش آثار منفی زندان بر زندگی زوجین محسوب می‌شود، اما بدون ایجاد ابزارهای اجرایی مناسب، ممکن است به کاهش ضمانت اجرای مهریه منجر گردد. در بسیاری از کشورها، سیاست‌های جایگزین زندان، همراه با سیستم‌های قوی اجرای تعهدات مالی، نظیر کسر از درآمد ماهانه یا توقیف دارایی‌های غیرضروری اجرا می‌شود، درحالی‌که در ایران، مکانیزم مؤثری برای جبران حق مالی زن در صورت عدم پرداخت مهریه از سوی زوج در نظر گرفته نشده است (مزحجی، ۱۳۹۳؛ معنوی، ۱۳۹۹).

۲-۳. چالش‌های اقتصادی: تورم، نوسانات قیمت سکه و عدم ثبات مالی در مهریه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مهریه در ایران، تأثیر مستقیم آن از نوسانات اقتصادی و تغییرات ارزش پول ملی است. ازآنجا که در اغلب موارد، مهریه بر حسب سکه طلا تعیین می‌شود، افزایش نرخ سکه و تورم اقتصادی، پرداخت مهریه را برای زوجین دشوار کرده و به افزایش دعاوی اعسار و تقسیط مهریه منجر شده است (مقبلی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱). بررسی پرونده‌های مهریه نشان می‌دهد که تقریباً در ۸۰ درصد موارد، زوجین درخواست اعسار داده و مهریه به‌صورت اقساط پرداخت می‌شود، که در بسیاری از مواقع، این اقساط به‌دلیل نوسانات قیمت، از ارزش واقعی مهریه کاسته و موجب نارضایتی زوجه شده است (طیب، ۱۴۰۳).

در مقایسه با سایر کشورها، بیشتر نظام‌های حقوقی به جای تعیین مبلغ ثابت برای مهریه، از سازوکارهای منعطفی همچون تعیین درصدی از درآمد یا دارایی‌های زوج استفاده می‌کنند (شهبازی و محسنی‌پور، ۱۴۰۳). این روش نه تنها مانع از سنگین شدن تعهدات مالی زوج می‌شود، بلکه باعث می‌شود زن نیز از یک پشتوانه مالی واقعی و پایدار بهره‌مند گردد. بنابراین، اصلاح نظام پرداخت مهریه از طریق جایگزینی روش‌های انعطاف‌پذیر مالی می‌تواند به بهبود وضعیت این نهاد حقوقی کمک کند (اشرفی، ۱۳۹۹، ۱)

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، تغییرات قانونی در نحوه تعیین و وصول مهریه است. بررسی قوانین داخلی نشان می‌دهد که قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مهم‌ترین تحول در زمینه تنظیم مهریه بوده است. ماده ۲۲ این قانون تصریح می‌کند که مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه بهار آزادی تابع مقررات اجرای محکومیت‌های مالی بوده و زوج در صورت عدم توانایی پرداخت مازاد بر این میزان، باید ملاتفت خود را اثبات کند (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶)

همچنین در سال ۱۴۰۳، طرح اصلاح قانون مهریه در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی بررسی شده است. مطابق این طرح، حبس زوج در صورت عدم پرداخت مهریه کاملاً حذف نشده، اما جایگزین‌هایی نظیر پابند الکترونیکی و محدودیت‌های مالی و اجتماعی به جای زندان در نظر گرفته شده است. این تغییر، با هدف کاهش بار پرونده‌های قضایی و جلوگیری از حبس بدهکاران مهریه که ناتوان از پرداخت هستند، صورت گرفته است (مزحجی، ۱۳۹۳).

۲-۴. چالش‌های اجتماعی: تغییر کارکرد مهریه از پشتوانه مالی به ابزار چانه‌زنی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی مهریه، تغییر کارکرد آن از یک پشتوانه مالی برای زنان به ابزاری برای چانه‌زنی در فرآیند ازدواج و طلاق است. بررسی‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، تعیین مهریه‌های سنگین به عنوان یک ضمانت یا ابزار فشار برای محدود کردن حق طلاق مرد صورت می‌گیرد و نه صرفاً برای حمایت مالی زن (راقم، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، برخی خانواده‌ها، بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی، مهریه‌های غیرواقعی و نجومی تعیین می‌کنند که عملاً اجرای آن ناممکن است. این پدیده باعث شده که مهریه از یک حق واقعی و قابل وصول، به یک نماد تشریفاتی تبدیل شود، به طوری که بسیاری از زوجین در هنگام ازدواج، بدون بررسی توانایی مالی مرد، مهریه‌های سنگینی را ثبت می‌کنند که در نهایت یا اجرا نمی‌شود یا منجر به ایجاد مشکلات حقوقی جدی می‌شود (صادقی، ۱۳۹۴)

برای حل این مشکل، ضرورت فرهنگ‌سازی و آموزش در خصوص تعیین مهریه‌های معقول و متناسب با وضعیت اقتصادی جامعه احساس می‌شود. پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های فرهنگی و آموزشی در کنار اصلاحات حقوقی، به عنوان راهکاری برای بازگرداندن مهریه به جایگاه اصلی خود در حمایت از زنان اجرا گردد (امیرمحمدی، ۱۳۹۸) علاوه بر چالش‌های حقوقی و اقتصادی، نقش مهریه در جامعه ایران دچار تغییرات اساسی شده است. در بسیاری از موارد، مهریه از یک ابزار حمایت مالی برای زنان، به وسیله‌ای برای چانه‌زنی در مذاکرات ازدواج و طلاق تبدیل شده است (امیرمحمدی، ۱۳۹۸؛ راقم، ۱۳۹۷). بررسی رویه‌های قضایی نیز نشان داد که دادگاه‌ها در بسیاری از پرونده‌ها، به دلیل افزایش درخواست‌های اعسار و ناتوانی زوج در پرداخت، اقدام به تقسیط مهریه می‌کنند که در نهایت منجر به کاهش ارزش واقعی آن برای زوجه می‌شود (مقبلی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱)

به طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که نظام حقوقی مهریه در ایران نیازمند بازنگری و اصلاحات عمیق‌تری است تا بتواند میان حمایت از حقوق مالی زنان و کاهش فشارهای اقتصادی بر زوجین تعادل برقرار کند.

۳. مفهوم و تعریف مهریه

مهریه، مالی است که به موجب عقد نکاح به زن تعلق می‌گیرد و او به محض وقوع عقد مالک آن می‌شود. طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، زن می‌تواند هر زمان مهریه را مطالبه کند و این حق مستقل از تمکین یا عدم تمکین اوست. مهریه باید دارای ارزش اقتصادی، قابل تملک و معین باشد. در قوانین جدید، شرایط دریافت مهریه تسهیل شده و زن می‌تواند از طریق دادگاه یا شورای حل اختلاف برای مطالبه آن اقدام کند مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران، به محض وقوع عقد نکاح، زن مالک مهریه می‌شود و می‌تواند هر زمان که بخواهد آن را مطالبه کند (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶). این ماده، بیانگر لزوم پرداخت مهریه از سوی زوج و استحقاق زوجه در دریافت آن است.

برخی از پژوهشگران، مهریه را از نظر حقوقی و فقهی به دو نوع تقسیم کرده‌اند:

مهریه عندالمطالبه: زوجه هر زمان که بخواهد، می‌تواند آن را طلب کند.

مهریه عندالاستطاعه: پرداخت آن منوط به توان مالی زوج است و زوجه باید ملات (توانایی مالی) او را اثبات کند (صادقی، ۱۳۹۴).

در فقه و قانون مدنی مهریه بر سه گونه است مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعه که هر یک دارای شرایط و احکامی می‌باشد که به توضیح هر یک پرداخته ایم:

مهرالمسمی: هرگاه مهریه در عقد ازدواج تعیین شده باشد آن را مهرالمسمی می‌گویند. اصطلاح مهرالمسمی از فقه اسلامی گرفته شده و در ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی به کار رفته ولی قانون مدنی آن را تعریف نکرده است با این حال با استفاده از مواد مختلف قانون و با توجه به فقه اسلامی می‌توان گفت مهرالمسمی عبارت از مال معینی است که به عنوان مهریه با توافق زوجین تعیین می‌شود یا شخصی که زوجین انتخاب کردند معین می‌نماید.

این مال ممکن است عین باشد مثل خانه زمین باغ اتومبیل و غیر این‌ها و یا ممکن است منفعت باشد مثل سکونت یا اجاره بهای خانه‌ای را برای مدت معین قرار داد که ارزش اقتصادی داشته باشد مانند تعلیم زبان خارجی یا هنری خاص یا ساختن خانه معین. همچنین به گفته قانون می‌تواند یک حق باشد.

مهرالمثل: مهرالمثل مهریه‌ای است که به موجب قراردادی تعیین نشده و بر حسب عرف و عادت و با توجه به وضع زن از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات، موقعیت خانوادگی و اجتماعی و ... با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان معین می‌گردد. ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی می‌گوید: (برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقارب و همچنین معمول محل و غیر در نظر گرفته شود). بنابر قانون مدنی زن در موارد زیر مستحق مهرالمثل است:

هرگاه مهر در عقد تعیین نشده باشد و قبل از ترازوی مهر معین بین زوجین نزدیکی واقع شود که در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است.

هرگاه عدم مهر در عقد شرط شده باشد و قبل از تراضی طرفین برای مهر معین بین زوجین نزدیکی واقع شود که در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است.

هرگاه توافق طرفین درباره مهریه به جهتی باطل باشد چنانکه مال تعیین شده مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد که در ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی به آن اشاره شده است.

هرگاه نکاح باطل و زن جاهل به بطلان بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: (در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.)

مهرالمتعه: در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی و تعیین مهریه زن مستحق مهرالمتعه خواهد بود در ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: (هرگاه مهریه در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهریه زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.) مهرالمتعه یا متعه در اصطلاح حقوقی مالی است که شوهر در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی و تعیین مهریه به تناسب وضع اقتصادی خود به زن می‌دهد. برابر ماده ۱۰۹۴ قانون مدنی برای تعیین مهرالمتعه حال مرد از حیث مالی ملاحظه می‌شود.

در بررسی ماهیت مهریه، دو نظریه مهم مطرح شده است:

۱- نظریه عقد معاوضی: برخی حقوقدانان، مهریه را نوعی عوض و مقابله با حق تمکین زوجه می‌دانند و معتقدند که این نهاد ماهیتی معاوضی دارد (مزحجی، ۱۳۹۳). مطابق این دیدگاه، در عقد نکاح، زن متعهد به تمکین شده و در مقابل، مرد ملزم به پرداخت مهریه است.

۲- نظریه هدیه و تبرع: دیدگاه دیگر که در فقه امامیه نیز مورد توجه قرار گرفته است، مهریه را نوعی هدیه و عطیه از سوی زوج به زوجه می‌داند (معنوی، ۱۳۹۹). در این دیدگاه، مهریه نه عوض عقد نکاح است و نه بهای تمکین، بلکه هدیه‌ای است که از روی حسن نیت و احترام به زن اعطا می‌شود.

با این حال، برخی پژوهشگران این دو دیدگاه را ترکیب کرده و مهریه را نوعی تعهد مالی خاص با ویژگی‌های عقدی متفاوت می‌دانند (راقم، ۱۳۹۷).

۴. فلسفه و کارکرد مهریه

مهریه در طول تاریخ، به‌عنوان یک سنت حقوقی و اجتماعی، کارکردهای مختلفی داشته است. برخی از مهم‌ترین اهداف و فلسفه‌های مهریه عبارت‌اند از:

حمایت مالی از زنان: مهریه می‌تواند به‌عنوان یک پشتوانه اقتصادی برای زنان، در صورت طلاق یا فوت همسر عمل کند (امیرمحمدی، ۱۳۹۸).

تحکیم بنیان خانواده: برخی پژوهشگران معتقدند که وجود مهریه، به‌ویژه در قالب مهریه‌های سنگین، می‌تواند عاملی بازدارنده برای طلاق‌های سریع و نسنجیده باشد (شهبازی و محسنی‌پور، ۱۴۰۳).

اثبات صداقت و تعهد مرد: مهریه از نظر برخی فقها، نشانه‌ای از حسن نیت مرد در هنگام ازدواج است و می‌تواند عاملی برای تقویت پیوند زوجین باشد (مقبلی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱).

با این حال، برخی پژوهشگران، کارکرد بازدارندگی مهریه را مورد تردید قرار داده‌اند و معتقدند که امروزه، مهریه بیشتر به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در دعاوی خانوادگی به کار می‌رود (طیب، ۱۴۰۳).

۵. موانع مطالبه مهریه توسط زن

عوامل متعددی می‌توانند مانع از مطالبه مهریه توسط زن شوند.

۱- باطل بودن عقد: اگر عقد نکاح به دلایلی باطل اعلام شود و نزدیکی صورت نگرفته باشد، زن حق دریافت مهریه ندارد.

- ۲-فسخ عقد قبل از نزدیکی: در این صورت نیز زن مستحق مهریه نخواهد بود.
- ۳-فوت زن قبل از تعیین مهریه: اگر زن پیش از تعیین مهریه فوت کند و رابطه زناشویی برقرار نشده باشد، مرد الزامی به پرداخت مهریه ندارد.
- ۴- نصف شدن مهریه برای زنان باکره: در این حالت، تنها نصف مهریه به زن تعلق می‌گیرد.
- برای کاهش مهریه‌های بالا، زوجین می‌توانند از روش‌های زیر استفاده کنند
- توافق طرفین: بهترین و کم‌هزینه‌ترین روش، توافق میان زن و شوهر برای کاهش مهریه است. این توافق باید در دفاتر اسناد رسمی ثبت شود.

ابرا ذمه: زن می‌تواند قسمتی از مهریه را ببخشد که این امر به معنای منتفی شدن حق مطالبه آن مبلغ است.

۳-مراجعه به دادگاه: در صورت عدم توافق، هر یک از طرفین می‌تواند به دادگاه خانواده مراجعه کند و با ارائه مستندات، درخواست تعدیل مهریه را مطرح کند.

۵. مبانی نظری مهریه

مطالعات نظری مرتبط با مهریه را می‌توان در چند حوزه مهم بررسی کرد:

۵-۱. مبانی فقهی مهریه

مهریه در منابع فقهی، تحت عنوان نحله مطرح شده است که نشان از نوعی هدیه و اعطا دارد (اشرفی، ۱۳۹۹). در فقه اسلامی، چهار نوع مهریه شناخته شده است:

- ۱-مهرالمسمی: مهریه‌ای که هنگام عقد، با توافق طرفین تعیین می‌شود.
- ۲-مهرالمثل: اگر هنگام عقد، مهریه مشخص نشود، مقدار آن براساس وضعیت اجتماعی و خانوادگی زوجه تعیین می‌شود.
- ۳-مهرالمتعه: در صورت طلاق پیش از نزدیکی، میزان مهریه براساس توان مالی زوج مشخص می‌شود.
- ۴-مهرالسنه: مقدار مهریه‌ای که پیامبر اسلام (ص) برای همسران خود تعیین کرده بود.
- فقها درباره ماهیت مهریه اختلاف نظر دارند. برخی آن را شرط ضمن عقد لازم و برخی دیگر آن را تعهد مستقل زوج می‌دانند (معنوی، ۱۳۹۹).

۵-۲. مبانی حقوقی مهریه

در حقوق ایران، قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، چارچوب‌های مشخصی برای مهریه و شیوه مطالبه آن تعیین کرده‌اند:

۱-ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: به محض عقد، زن مالک مهریه می‌شود و می‌تواند هر زمان که بخواهد آن را مطالبه کند.

۲-ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: اگر مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد، پرداخت آن منوط به اثبات توان مالی زوج است.

این اصلاحات قانونی با هدف جلوگیری از تعیین مهریه‌های سنگین و کاهش مشکلات قضایی انجام شده است (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶).

۵-۳. مبانی اجتماعی و اقتصادی مهریه

۳-نوسانات اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی: بسیاری از پژوهشگران، یکی از دلایل افزایش پرونده‌های قضایی مهریه را نوسانات شدید اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی دانسته‌اند (سحرخیز و همکاران، ۱۴۰۳).

۴-افزایش پرونده‌های قضایی: در سال‌های اخیر، مهریه‌های سنگین و عدم توانایی مردان در پرداخت آن، منجر به افزایش چشمگیر پرونده‌های اعسار در محاکم خانواده شده است (صادقی، ۱۳۹۴).

برخی از مطالعات نشان داده‌اند که تقلیل مهریه‌های نجومی به مقادیر معقول، می‌تواند تأثیر مثبتی بر کاهش دعاوی خانوادگی و ثبات اجتماعی داشته باشد (راقم، ۱۳۹۷). مهریه به‌عنوان یک نهاد حقوقی، دارای ابعاد فقهی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی است. ماهیت این نهاد، در طول زمان دستخوش تغییرات بسیاری شده است. بررسی تطبیقی قوانین سایر کشورها نشان می‌دهد که برخی کشورها، با جایگزین کردن محدودیت‌های مالی و اجتماعی به‌جای مجازات‌های کیفری سنگین، توانسته‌اند مشکلات مرتبط با مهریه را کنترل کنند (مزحجی، ۱۳۹۳). با توجه به چالش‌های موجود، ضرورت اصلاحات قانونی در راستای کاهش مشکلات مربوط به مهریه احساس می‌شود. پیشنهادهای همچون:

الف: تعیین سقف معقول و متناسب برای مهریه

ب: جایگزینی ضمانت‌های مالی و اجتماعی به‌جای حبس زوجین

ج: اصلاح فرآیند دادرسی مهریه و ساده‌سازی آن

می‌تواند به کاهش اختلافات خانوادگی و ایجاد تعادل بین حقوق زوجین کمک کند.

مهریه، اگرچه در اصل، ابزاری برای حمایت از زنان بوده است، اما امروزه به یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل حقوق خانواده تبدیل شده است. ازاین‌رو، بررسی ابعاد مختلف آن، نقش مهمی در اصلاح قوانین و سیاست‌های مربوط به ازدواج و خانواده دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که قوانین مهریه در ایران، علی‌رغم اصلاحات انجام‌شده، همچنان دارای مشکلاتی در حوزه اجرا، ضمانت اجرا و تعیین میزان مهریه است. در بسیاری از موارد، قوانین فعلی نه‌تنها موجب کاهش مشکلات نشده‌اند، بلکه به دلیل نبود ابزارهای اجرایی کارآمد، موجب ایجاد چالش‌های جدیدی برای زوجین شده‌اند. از سوی دیگر، ماهیت اجتماعی مهریه نیز دچار تغییر شده و در بسیاری از موارد، مهریه از یک پشتوانه مالی به ابزاری برای چانه‌زنی تبدیل شده است. بررسی رویه‌های قضایی و قوانین سایر کشورها نشان داد که ایجاد سازوکارهای جدید برای پرداخت مهریه، جایگزین کردن ضمانت‌های مالی و اجتماعی به‌جای حبس، اصلاح فرآیندهای قضایی و افزایش آگاهی عمومی، می‌تواند نقش مهمی در کاهش مشکلات ناشی از مهریه در ایران ایفا کند. در نهایت، اصلاح قوانین مرتبط با مهریه باید به‌گونه‌ای انجام شود که هم حقوق مالی زنان را تضمین کند و هم از فشارهای اقتصادی غیرمنطقی بر زوجین جلوگیری نماید. با توجه به بررسی‌های انجام شده، مهریه در نظام حقوقی ایران به‌عنوان یک ابزار حمایتی برای زنان در نظر گرفته شده است. با این، تعیین مهریه‌های سنگین و نامتعارف، همیشه باعث بروز مشکلات حقوقی و اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، اصلاحات قانونی، بارها و بارها به تعداد زندانیان مهریه کاهش یافته است، اما در برخی موارد احتمال وصول مهریه برای زوجها کاهش می‌یابد. بنابراین، به نظر می‌رسد که نظام نیازمند بازنگری ایران در قوانین مرتبط با مهریه، اطلاعات عمومی درباره میزان مهریه و ایجاد سازوکارهای جایگزین برای حمایت مالی از زوجه در ازدواج و پس از طلاق است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهریه همچنان یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در حقوق خانواده ایران است. علی‌رغم اصلاحات قانونی، همچنان چالش‌هایی در اجرای قوانین، رویه‌های قضایی و مسائل اقتصادی مرتبط با مهریه وجود دارد. بررسی تحولات قانونی، مصاحبه با وکلا و تحلیل رویه‌های

قضایی حاکی از آن است که حذف کامل ضمانت اجرای کیفری مهریه، بدون ارائه راهکارهای جایگزین، می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. در نهایت، پیشنهادهای اصلاحی این پژوهش شامل تعیین سقف معقول برای مهریه، توسعه ضمانت‌های جایگزین به جای حبس، اصلاح نظام دادرسی و فرهنگ‌سازی در جامعه، می‌تواند به بهبود وضعیت حقوقی مهریه و کاهش مشکلات ناشی از آن کمک کند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، تحلیل موضوع مهریه در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که این نهاد حقوقی از سه منظر حقوقی، اقتصادی و اجتماعی دچار چالش‌های اساسی شده و علی‌رغم اصلاحات قانونی، همچنان نیازمند بازنگری و بهبود سازوکارهای اجرایی است. در ادامه، مهم‌ترین تحلیل‌های به‌دست‌آمده بر اساس یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود.

پیشنهادهای

بر اساس تحلیل یافته‌های پژوهش، برخی از مهم‌ترین پیشنهادهای اصلاحی برای بهبود قوانین و اجرای مهریه به شرح زیر است:

الف: تعیین سقف معقول برای مهریه: پیشنهاد می‌شود که حد مجاز مهریه از نظر مالی، بر اساس شاخص‌های اقتصادی و میزان تورم تعیین شود تا از افزایش مهریه‌های غیرواقعی جلوگیری گردد.

ب: توسعه روش‌های جایگزین ضمانت اجرای مهریه: به جای حبس زوجین، می‌توان از محدودیت‌های مالی و اجتماعی نظیر توقیف اموال غیرضروری، کاهش اعتبار بانکی یا ممنوعیت خروج از کشور استفاده کرد.

ج: اصلاح نظام دادرسی مهریه: تسریع در رسیدگی به دعاوی مربوط به مهریه و جلوگیری از طولانی شدن روند بررسی اعسار و ملائت زوج از طریق اصلاح رویه‌های دادگاهی ضروری است.

د: فرهنگ‌سازی در تعیین مهریه‌های منطقی: آموزش و آگاه‌سازی جامعه در خصوص تبعات تعیین مهریه‌های بالا و تأثیر آن بر زندگی زوجین، می‌تواند به تغییر نگرش اجتماعی در این زمینه کمک کند.

فهرست منابع

۱. اشرفی، طه. "ماهیت، مبنا و احکام انواع مهریه در عقد موقت در حقوق و فقه اسلامی." پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی بندر انزلی، ۱۳۹۹.
۲. امیرمحمدی، محمدرضا. "اسباب و فلسفه ایجاد مهریه در فقه و قانون مدنی ایران." کتابخانه مجازی القبا، ۱۳۹۸.
۳. بهمن‌پوری، عبدالله؛ جعفرپور، سهیلا. "جایگاه فقهی و حقوقی مهریه در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱." *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، سال ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره ۶۷.
۴. حسینی، علی. "الزامات قانونی در مهریه و نوسانات اقتصادی." *مطالعات حقوق اقتصادی*، دوره ۱۲، شماره ۳، سال ۱۴۰۳، صفحات ۱۸۰-۲۰۰.
۵. راقم، عبدالظاهر. "بررسی تطبیقی ماهیت حقوقی مهریه و تأثیر آن در مقررات حقوقی و نهاد خانواده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان." پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مجتمع آموزش عالی علوم و مطالعات اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه - واحد گرگان، ۱۳۹۷.
۶. سازمان ملل متحد. "بررسی قوانین خانواده در کشورهای اسلامی و راهکارهای پیشنهادی." گزارش UNDP، سال ۲۰۲۲.
۷. سحرخیز، مریم؛ معصومی، جمشید؛ موسوی، سید محمدصادق؛ موسوی بجنوردی، سید محمد. "بررسی فقهی حقوقی انفساخ نکاح و آثار مالی آن." *مطالعات فقه اقتصادی*، تابستان ۱۴۰۳، دوره ششم، شماره ۲۱، صفحات ۱۴۶-۱۶۰.
۸. شهبازی، فرشید؛ محسنی‌پور، مهدیه. "مولفه‌های ازدواج آسان از منظر مقام معظم رهبری." *افاق علوم انسانی*، مرداد ۱۴۰۳، شماره ۸۸ (جلد اول)، صفحات ۹۳-۱۰۵.
۹. صادقی، حسن. "بررسی فقهی و حقوقی ماهیت مهریه و محاسبه آن به نرخ روز." پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۴.
۱۰. طبیب، فرشته. "بررسی وضعیت مهریه و نفقه زنان در دوره قاجار بر اساس اسناد." *تاریخ‌روایی*، بهار ۱۴۰۳، شماره ۲۲ و ۲۳، صفحات ۹۴-۱۱۸.
۱۱. مزحجی، مریم. "ماهیت حقوقی مهریه غیر متعارف و تطبیق آن با فقه امامیه." پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، ۱۳۹۳.
۱۲. معنوی، عزالدین. "بررسی ماهیت مهریه در حقوق ایران و آیین دادرسی مطالبه آن." پایان‌نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۹.
۱۳. مقبلی‌نسب، ندا؛ صفا، محمدعلی؛ افضل‌ی، روح‌الله. "مقارنه و تطبیق مهریه و نفقه زن در نظام حقوقی اسلام و غرب." *خانواده درمانی کاربردی*، زمستان ۱۴۰۱، دوره سوم، شماره ۵ (پیاپی ۱۴)، صفحات ۶۱۴-۶۳۰.
۱۴. همتی، فاطمه. "تحلیل تطبیقی ضمانت اجرای مهریه در ایران و کشورهای اسلامی." *پژوهش‌های فقهی-حقوقی*، سال ۱۴۰۲، شماره ۱۵، صفحات ۱۴۰-۱۲۰.

قوانین و مقررات مرتبط

۱. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی.
۲. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، مجلس شورای اسلامی، ایران.
۳. طرح اصلاح قانون مهریه در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۴۰۳.
۴. رویه‌های قضایی و گزارش‌های رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. "تحلیل وضعیت دعاوی خانواده و اصلاحات قانونی مهریه." گزارش رسمی، ۱۴۰۲.
۵. سازمان ثبت احوال کشور. "آمار ازدواج و طلاق در ایران، ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲." گزارش تحلیلی، ۱۴۰۲.